

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

نقد و ارزیابی

عرفی‌گرایی در جمهوری اسلامی

محمد جواد نوروزی

فهرست مطالب

۱۵	سخنی با خواننده
۱۹	مقدمه

بخش اول: مبانی نظری

۲۵	فصل اول: چارچوب پژوهش
۲۵	الف) طرح مسئله
۲۹	ب) ضرورت و اهمیت پژوهش
۳۲	ج) بررسی آثار
۳۳	۱. رویکرد درجه اولی
۳۹	۲. رویکرد درجه دومی
۴۲	فصل دوم: مفاهیم و کلیات
۴۲	۱. مفهوم عرفی‌گرایی
۴۲	۱-۱. تعریف واژه سکولار
۴۳	۱-۲. سکولاریسم
۴۷	۱-۳. سکولاریزاسیون
۴۹	۲. قلمروهای سکولاریسم پژوهی

۸۰ ۲-۱-۲. انسان‌شناسی (اومنیسم)	۵۰ ۲-۱. فلسفه سیاسی و سکولاریسم پژوهی
۸۲ ۲-۱-۲-۱. تکریم انسان و غفلت از خدا.	۵۱ ۲-۲. جامعه‌شناسی و سکولاریسم پژوهی
۸۲ ۲-۱-۲-۲. تأکید بر حقوق انسان در برابر تکلیف انسان	۵۴ ۲-۳. دین‌شناسی و سکولاریسم پژوهی
۸۳ ۲-۱-۳. مبنای معرفت‌شناختی	۵۶ ۳. مفهوم جمهوری اسلامی ایران
۸۳ ۲-۱-۳-۱. تأکید بر دستاوردهای عقل بشری و نادیده گرفتن وحی	۵۶ ۱. مفهوم دین
۸۴ ۲-۱-۳-۲. گسترش دامنه صلاحیت دانش تجربی	۵۸ ۲-۲. تعریف حکومت
۸۶ ۲-۱-۳-۳. حاکمیت روش‌های هرمنوتیک در فهم متون مقدس	۵۸ ۳-۱. حکومت الهی
۸۶ ۲-۱-۳-۴. نسبی‌گرایی معرفتی	۶۱ ۳-۲-۱. حکومت طاغوتی
۸۷ ۲-۲. در حوزه ساختاری	۶۲ ۳-۲-۲. جمهوری اسلامی
۸۸ ۲-۲-۱. به لحاظ ساختار اجتماعی	۶۳ ۳-۳-۱. جمهوریت
۸۸ ۲-۲-۱-۱. ظهور ساخت‌های تمایزی‌بافته و نهادانگاری دین	۶۶ ۳-۳-۲. اسلام
۸۹ ۲-۲-۱-۲. تبدیل دین به امری فردی و خصوصی	۶۷ ۴. جمع‌بندی مباحث
۹۰ ۲-۲-۲. به لحاظ فرهنگی	۶۹ فصل سوم: چارچوب نظری
۹۰ ۲-۲-۲-۱. نفی مشروعیت‌بخشی مرجعیت دینی	۷۰ ۱. نظریه‌ها و سطوح عرفی شدن
۹۱ ۲-۲-۲-۲. کاهش نقش اخلاقی دینی در مناسبات اجتماعی	۷۱ ۱-۱. عرفی شدن در حوزه باور (ساحت دین)
۹۲ ۲-۲-۲-۳. محو تدریجی نقش دین در قانونگذاری	۷۴ ۱-۲. عرفی شدن در ساحت ساختار
۹۴ ۲-۲-۳. به لحاظ منزلت اجتماعی؛ عرفی شدن منزلت‌ها	۷۶ ۱-۳. عرفی شدن در سطح رفتار (ساحت کنش فردی)
۹۵ ۲-۳. در ساحت رفتار	۷۷ ۲. شاخص‌های عرفی شدن
۹۶ ۲-۳-۱. خرد و بیشن؛ از دینداری حق محور به دین‌گرایی فرد DAR	۷۷ ۲-۱. در ساحت باور (مبانی فکری)
۹۷ ۲-۳-۲. در گرایش و نگرش	۷۷ ۲-۱-۱. جهان‌شناسی
۹۷ ۲-۳-۲-۱. از ارزش‌مداری به فایده گرایی	۷۸ ۲-۱-۱-۱. تأکید بر علت فاعلی به جای علت غایی
۹۸ ۲-۳-۲-۲. از حق‌جویی به مصلحت‌اندیشی	۷۹ ۲-۱-۱-۲. تبیین دنیامدارانه به جای تبیین‌های ماوراه طبیعی

۱۲۰	۳-۳-۱. رفتار نخبگان
۱۲۱	۳-۳-۲. رفتار گروهها و احزاب
۱۲۱	۳-۳-۳. رفتار شهروندان
۱۲۲	۴. جمع‌بندی مباحث
بخش دوم: ارزیابی و نقد نظریه عرفی‌گرایی در حوزه باور	
۱۲۷	فصل چهارم: هستی‌شناسی
۱۲۷	۱. چالش رویکرد عرفی‌گرایی با جمهوری اسلامی ایران
۱۳۱	۲. کارکرد باورها در تغییر اجتماع
۱۳۷	۳. آموزه‌های اعتقادی (مبانی فکری جمهوری اسلامی ایران)
۱۳۸	۳-۱. خدامحوری مبانی هستی‌شناسی
۱۴۰	۳-۲. امامت و رهبری سیاسی
۱۵۰	بررسی مبانی دیدگاه تفویض خاص
۱۵۳	۴. غایت‌مندی و باور به معاد
۱۵۴	۵. انسان‌شناسی
۱۵۹	۶. جمع‌بندی مباحث
۱۶۲	فصل پنجم: دیدگاه عرفی‌گرایان در حوزه معرفت‌شناسی
۱۶۵	۱. تجربه دینی
۱۶۷	۲. زبان دین
۱۶۹	۳. هرمنوتیک
۱۷۷	۴. انحصارگرایی دینی یا پلورالیسم
۱۸۲	۵. تاریخ‌مندی دین
۱۸۶	۶. جمع‌بندی مباحث

۹۹	۲-۳-۲-۳. از زیبایی‌گری به لذت‌طلبی
۹۹	۲-۳-۳. اباخی‌گری دینی و اخلاقی در رفتار و کنش
۱۰۰	۳. شاخص‌های جمهوری اسلامی ایران
۱۰۱	۳-۱. شاخص‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه باور
۱۰۱	۱-۱-۳. آموزه‌های اعتقادی
۱۰۱	۱-۱-۳-۱. خدامحوری
۱۰۶	۱-۱-۳-۲. رهبری سیاسی - الهی (نبوت و امامت)
۱۰۸	۱-۱-۳-۳. تأکید بر علت غایی (باورمندی به معاد)
۱۰۹	۱-۱-۳-۴. پیوستگی دین و سیاست
۱۰۹	۱-۲-۳. مبنای معرفت‌شناختی
۱۰۹	۱-۲-۳-۱. وحی و عقل
۱۱۰	۱-۲-۳-۲. علم، دانش‌اندوزی همراه با معنویت
۱۱۲	۱-۲-۳. مبانی انسان‌شناسی
۱۱۳	۲-۳. شاخص‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه ساختار
۱۱۳	۲-۲-۱. ساختار سیاسی
۱۱۳	۲-۲-۱-۱. حاکمیت دینی
۱۱۴	۲-۲-۱-۲. مشروعیت الهی و مشارکت مردمی
۱۱۵	۲-۲-۱-۳. بایستگی حکومت
۱۱۶	۲-۲-۱-۴. ولایت و حکومت فقیه
۱۱۷	۲-۱-۵. مدل مردم‌سالاری دینی
۱۱۹	۲-۲-۳. ساختار حقوقی
۱۲۰	۲-۲-۲. ساختار اقتصادی
۱۲۰	۲-۳. شاخص‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه رفتار و عملکرد

۲۴۳	۱. تعریف
۲۴۴	۲. ارزیابی دیدگاهها
۲۴۷	۲-۱. سیاست و اقتدار کاریزماتیک (۱۳۶۸-۱۳۵۸)
۲۵۱	۲-۲. سیادت و اقتدار سنتی
۲۵۴	۲-۳. اقتدار قانونی و دموکراتیک
۲۵۷	۳. نقش مردم در حکومت اسلامی
۲۶۲	۴. جمع‌بندی مباحث
۲۶۴	فصل نهم: ساختار حقوقی
۲۶۴	۱. ساختار حقوقی
۲۶۵	۱-۱. اندیشه اسلامی
۲۶۶	۱-۲. اندیشه سکولار
۲۷۱	۲. مکاتب حقوقی
۲۷۱	۲-۱. مکتب حقوق طبیعی
۲۷۲	۲-۲. حقوق پوزیتیویستی
۲۷۳	۳. مکتب حقوقی اسلام
۲۷۵	۴. مبنای قانونگذاری
۲۷۹	۵. هدف حکومت دینی
۲۸۱	۶. حاکمیت
۲۸۲	۷. انسان مکلف و محق
۲۸۴	۸. مصلحت
۲۸۸	۹. قوانین ثابت و متغیر
۲۹۷	۱۰. جمع‌بندی مباحث
۲۹۹	فصل دهم: ساختار اقتصادی؛ توسعه

۱۸۸	فصل ششم: ارتباط دین و سیاست
۱۸۹	۱. تبیین مسئله
۱۹۵	۲. آمیختگی دیانت و سیاست در اسلام
۱۹۵	۲-۱. سیر تاریخی
۱۹۹	۲-۲. منابع اسلامی
۱۹۹	۲-۳. حوزه‌های تفکر اسلامی
۲۰۰	۳. استدلال سکولارها در جدایی دین از سیاست
۲۰۰	۱-۱. ثبات دین و تغییرپذیری سیاست
۲۰۲	۱-۲. قداست دین و شیطنت آمیز بودن سیاست
۲۰۳	۱-۳. تنافی سیاست با قداست عالمان دینی
۲۰۵	۲-۴. خدا و آخرت؛ رسالت پیامبر
۲۰۷	۴. جمع‌بندی مباحث

بخش سوم: ارزیابی نظریه عرفی‌گرایی در حوزه ساختار

۲۱۱	فصل هفتم: مدل حکومت و ساختار سیاسی
۲۱۱	۱. تبیین مفهومی و رویکردها در ساختار سیاسی
۲۱۳	۲. بررسی دیدگاه عرفی‌گرایان درباره ساختار
۲۱۶	۳. اسلام و ساختار سیاسی
۲۲۶	۴. الگوی ساختار سیاسی حکومت
۲۲۸	۴-۱. مردم‌سالاری دینی؛ الگوی اسلامی
۲۳۲	۴-۲. دمکراسی؛ مدل سکولار حکومت
۲۴۱	۵. جمع‌بندی مباحث
۲۴۳	فصل هشتم: ساختار سیاسی؛ مشروعيت

الف) احزاب و گروههای اسلامی	۲۶۵
ب) احزاب و گروههای لیبرال	۲۶۶
ج) احزاب چپگرای اسلامی	۲۶۹
د) احزاب و گروههای مارکسیستی	۲۶۹
۱-۱. جریان‌های سیاسی و منازعه شکل‌گیری حاکمیت دینی	۲۶۹
۱-۲. اندیشه اسلامی و شکاف‌های اجتماعی	۳۷۴
۲. صورت‌بندی احزاب	۳۷۸
۲-۱. اسلام و تحرّب	۳۸۲
۲-۲. ضرورت حزب در جامعه دینی	۳۹۱
۳. جمع‌بندی مباحث	۳۹۳
فصل سیزدهم: شهروندان	۳۹۵
۱. باور و شهروندان	۳۹۵
۲. ساخت سکولار و شکل‌گیری رفتار سکولار در شهروندان	۴۰۶
۳. اشکال رفتار سیاسی شهروندان	۴۰۷
۴. جمع‌بندی مباحث	۴۱۴
نتیجه‌گیری و ما حاصل بحث	۴۱۶
کتاب‌نامه	۴۲۹
الف) منابع فارسی	۴۲۹
ب) منابع عربی	۴۴۶
ج) منابع لاتین	۴۴۹

۱. توسعه در گفتمان سکولار	۳۰۰
۱-۱. غرب	۳۰۰
۱-۲. توسعه با رویکرد سکولار در ایران	۳۰۷
۲. جمهوری اسلامی ایران و گفتمان توسعه	۳۱۰
۲-۱. رویکرد سکولار	۳۱۰
۲-۲. رویکرد دینی	۳۱۱
۳. جمع‌بندی مباحث	۳۲۳

بخش چهارم: ارزیابی نظریه عرفی‌گرایی در حوزه رفتار

فصل یازدهم: طرح دیدگاه‌ها در ساحت رفتار؛ نخبگان	۳۲۷
۱. مفهوم و خاستگاه	۳۲۷
۲. ساخت سکولار و شکل‌گیری رفتار سکولار	۳۳۰
۳. خواص و رفتار (عرفی‌گرایی در سطح نخبگان)	۳۳۲
۴. عرفی‌گرایی در مقام‌کاربرد	۳۳۵
۵. رفتارشناسی نخبگان اهل حق	۳۳۹
۶. ریزش و رویش	۳۴۱
گفتمان سکولار در ایران	۳۴۷
واکنش به رفتار سکولار	۳۵۱
۷. جمع‌بندی مباحث	۳۵۴
فصل دوازدهم: گروههای اجتماعی و تحرّب	۳۵۶
۱. صورت‌بندی گروههای اجتماعی در جمهوری اسلامی	۳۵۶
۱-۱. جریان‌های سیاسی پس از انقلاب	۳۶۲

سخنی با خواننده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی بود. این ایده، در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی - ملی و حیات سیاسی - اجتماعی ایرانیان و در سطح فرامللی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزّت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی - ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح مذکور به وجود آورد که تاکنون منابع دینی و دین داران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخگویی به این پرسش‌ها و معضلات، بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روش‌مند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم‌ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی، بسی سنگین است. این مراکز از سویی رسالت پاسخگویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را بر عهده دارند و از سوی دیگر به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی باید اولویت دهند.

نمايه

۴۵۱	آيات
۴۵۴	روايات
۴۵۶	اعلام
۴۶۲	اصطلاحات
۴۷۳	كتاب‌ها
۴۷۴	مکان‌ها

حجۃ‌الاسلام والمسلمین آقای حسین توسلی تشکر می‌کنم که بدون حمایت و مساعدت‌های بی‌دریغ و مؤثر ایشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید. از دست‌اندرکاران مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، به‌ویژه ریاست محترم آن، حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی به جهت مساعدت و همراهی آن مجموعه تشکر می‌شود.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در راستای حیات و بالندگی علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده است و پیش‌پایش از انتقادها و پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌های علمی موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی -دینی و زمینه‌های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

نجف لکزایی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی با تلاش در جهت پاسخگویی به پرسش‌ها و مضلات فکری مربوط به حوزهٔ پژوهشی خود و فراهم‌ساختن زمینه‌های لازم برای باز‌تولید فرهنگ سیاسی -دینی و ارائهٔ دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به عنوان مهم‌ترین هدف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم‌کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصهٔ پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی، تلاش می‌کند در جهت عزم و ارادهٔ ملی برای احیای تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهش‌گر فرهیخته حجۃ‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدجواد نوروزی باهدف بررسی و نقد دیدگاه‌های عرفی در جمهوری اسلامی ایران در ساحت باور، ساختار و حوزهٔ رفتار است که طی آن تلاش به عمل آمده تا ضمن تبیین ابعاد سکولاریسم به تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌هایی پردازد که سعی در تحلیلی عرفی و سکولار از جمهوری اسلامی ایران دارند. اثر حاضر در عرصهٔ دانش سیاسی اسلامی نگارش یافته است و گامی در جهت فراهم‌ساختن زمینه‌های لازم برای هویت‌شناسی تلقی می‌گردد.

اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیون تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه علوم سیاسی آقای دکتر عبدالوهاب فراتی، ناظر محترم حجۃ‌الاسلام آقای دکtor منصور میراحمدی، اساتید و ارزیابان محترم، حجۃ‌الاسلام آقای دکتر مهدی امیدی، دکتر فرشاد شریعت، دکتر اصغر افتخاری و دکتر جلال درخشه، مدیر محترم امور پژوهش آقای رجبعلی اسفندیار، کارشناس محترم گروه آقای سیدجواد میرخلیلی و متصدیان اجرایی پژوهشکده می‌باشد که جای دارد از خدمات و تلاش‌های آنان قدردانی به عمل آید.

همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی جناب

مقدمه

انقلاب اسلامی در ایران تحولی اساسی بر مبنای اجرای اسلام در مناسبات سیاسی و اجتماعی بود. این تحول بنیادین، چالشی در برابر لیبرالیسم و خط پایانی بر اندیشه عرفی‌گرایی به حساب می‌آید، همان‌گونه که انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ تحولی در جهت حذف دین مسیحیت از عرصه مناسبات سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شود. تأثیر در منحنی روند تحولاتی که در غرب و همزمان با آغاز رنسانس به وقوع پیوست، نشان داد که از سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ طی سه سده به تدریج از قلمرو دین مسیحیت کاسته و علم و عقلانیت ابزاری جایگزین آن شده است، به گونه‌ای که در قرن هجدهم عرفی‌گرایی با شاخص‌هایی چون اومانیسم، علم‌مداری، عقلانیت ابزاری و اباحی‌گری شکل گرفته است. این دگرگونی که نخست در ذهن و فکر غربی به وقوع پیوست، اقتضا می‌کرد که مناسبات سیاسی و اجتماعی نیز به تبع آن تغییر یابد. براین اساس در این برهه زمانی حوادث و رخدادهایی به وقوع پیوست که تبیین جامعه‌شناختی آن، حاکی از سه الگوی تغییر است.

الگوی نخست انقلاب بود؛ تحولی که در فرانسه به وقوع پیوست؛ زیرا در این کشور ساختارهای موجود در مقابل عرفی‌گرایی مقاومت می‌نمود و این مهم با انقلاب حل شد. دوم اصلاح بود که در کشوری چون انگلیس واقع شد؛ این تحول

تبع آن جامعه اسلامی نویدبخش احیاً تمدن اسلامی گردد. اثر پیش رو در راستای بررسی عرفی‌گرایی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد تا با نقد و بررسی این مسئله در ساحت باور، ساختار و رفتار، جریان اصیل اسلامی را که با پیروزی خود عرف‌گرایی را به چالشی اساسی فراخواند، مورد تأکید دوباره قرار دهد. امید است با حاکمیت دولت اسلامی بر جهان اسلام و شکل‌گیری جامعه اسلامی که بیداری اسلامی نویدبخش آن است، گامی در جهت تحقق دولت اسلامی برداشته شود.

محمدجواد نوروزی

که به صورت تدریجی تحقق یافت، اصلاح یا رiform خوانده شد. سوم جنگ داخلی بود که در کشورهای نظیر ایتالیا و آلمان به وقوع پیوست؛ براین اساس بود که پس از حاکمیت عرفی‌گرایی در عرصه فکر، ساختار و آن‌گاه الگوهای رفتاری نیز مناسب با آن تغییر یافت.

با حاکمیت عرفی‌گرایی در غرب رویکرد سلطه‌جویی که مقتضای ا Omanیسم و فرهنگ برآمده از رنسانس بود، آهنگ دیگر مناطق و از جمله جهان اسلام کرد. روند تحولات عرفی‌گرایی در ایران نشان می‌دهد که از آغاز حمله روس‌ها به ایران، فکر و اندیشه عرفی‌گرایی، ابتدا در میان رجال ذی‌نفوذ دربار رسوخ یافت و آن‌گاه تا نهضت مشروطه روندی تدریجی را در عرصه نشر کتاب و ترجمه آثار غربی طی کرد. همزمان با مشروطه، این جریان لایه‌هایی از حاکمیت سیاسی را به دست گرفت و با کودتا رضاخان حاکمیت مطلق یافت. تحول عرفی‌گرایی با فراز ونشیبی تدریجی تا انقلاب اسلامی استمرار یافت و با وقوع این تحول شکرف در بهمن ۱۳۵۷ بود که عرفی‌گرایی از عرصه حاکمیت روندی رو به زوال را طی کرد.

تحولات ناشی از سال‌های نخست انقلاب و شور و التهاب ناشی از احساسات اصیل اسلامی موجب حاشیه‌نشینی عرفی‌گرایی در دهه نخست گردید، اما پس از بیان جنگ تحمیلی به تدریج عرفی‌گرایی در عرصه رسانه‌های جمعی و آثار نوشتاری رواجی دوباره یافت و با روی‌کار آمدن اصلاح طلبان در سال ۱۳۷۶ بخش‌هایی از حاکمیت سیاسی رویکردی عرفی به خود گرفت. اما در واکنش به این امر، جریان ناب اندیشه اسلامی که همواره خط مستمر انقلاب اسلامی بوده و هست، با حضور و مشارکت فعال خویش شعارهای نخستین انقلاب اسلامی را احیا کرد. اکنون این جریان اصیل که قاطبه ملت ایران هویت خویش را در چارچوب آن تعریف می‌کنند، می‌رود تا با تشکیل دولت اسلامی و به

بخش اول

مبانی نظری